یادداشت روز

«عدالت آموزشی» تستی نیست

سال‌ها دیده‌ایم خانواده‌هایی که وقتی فرزندان آنها کم‌کم به سن پایان تحصیلات متوسطه و شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها می‌رسند، با ورود به یک مسابقه نابرابر، به قدر وسع به ثبت‌نام فرزند خود در کلاس‌های گران قیمت مؤسسات تست‌زنی می‌پردازند و یا چندین کتاب آموزشی تست محور را با هزینه گزاف تهیه می‌کنند تا بتوانند به عبور فرزندانشان از سد آزمون سراسری کمک کنند؛ زیرا به تجربه یا مشورت به این نتیجه و ذهنیت رسیده‌اند که قفل کنکور تنها با این کلید باز می‌شود. در این میان بسیار خانواده‌ها را نیز دیده‌ایم که علی‌رغم استعداد بالای فرزندشان به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه گزاف کلاس کنکور و کتاب تست، احساس سرخوردگی یا شرمندگی کرده و چه بسا فرزند مستعدشان به توفیق لازم در این مسابقه نفس‌گیر دست پیدا نکند.

در این میان سال‌هاست که میدان‌داری مؤسسات تست‌زنی و انتشاراتی‌های مرتبط با کنکور از تبلیغ پرحجم تلویزیونی تا گوشه گوشه شهرها و روش‌های مختلف به این القا و تصور دمیده‌اند که راه موفقیت در آزمون سراسری تنها از مسیر آنها می‌گذرد، مسیری که البته چندین هزار میلیارد تومان گردش مالی دارد و برخی، جریان حاکم بر آن را «مافیای کنکور» می‌خوانند.

از سوی دیگر در سال‌های گذشته بارها و بارها شاهد بوده‌ایم که کارشناسان و برخی رسانه‌ها به انتقاد از شیوه برگزاری کنکور به روشی که سرنوشت و آینده داوطلبان در یک جلسه دو سه ساعته و بر اساس میزان توانایی در تست‌زنی تعیین شود پرداخته‌اند. از جمله این انتقادها این بوده است که آنچه در کلاس‌های تست‌زنی در قبال دریافت هزینه‌ای بالا آموزش داده می‌شود تنها ترفند و تبحر در تست‌زنی سریع است نه آموزش علم و گاه ممکن است دانش‌آموزی ضعیف‌تر با این ترفندها و مهارت از دانش‌آموزی که نکات علمی یک درس و کتاب را بهتر و عمیق‌تر فهمیده است بیشتر تست بزند و بر همین اساس در رقابت برای نشستن بر صندلی دانشگاه موفق باشد؛ آن هم با توانایی علمی کمتر!

از سوی دیگر؛ ممکن است مستعدترین دانش‌آموز که امید زیادی به موفقیت در کنکور دارد، روز آزمون دچار بیماری حتی یک سرماخوردگی ساده شده و نتواند به خوبی و با تمرکز پاسخ سؤالات را بدهد، آیا سپردن تمام سرنوشت دانش‌آموزان به یک روز و یک جلسه و نادیده گرفتن سال‌ها تلاش آنها منطقی است؟

واقعیت هم این است که شاید نتوان کشور پیشرفته‌ای را پیدا کرد که گزینش پر اهمیت ورودی دانشگاه‌ها و جذب استعدادهایی که قرار است آینده آن کشور را بسازند به توانایی در تست‌زنی و نه تسلط بیشتر علمی منوط کند. حتی در بسیاری کشورها آزمون جذب دانشجو به صورت تشریحی برگزار می‌شود.

یکی دیگر از انتقادها به روش برگزاری کنکور در کشورمان این بود که در ۱۲ سال تحصیل، دانش‌آموزان هرگز آزمون تستی را تجربه نمی‌کنند اما یکباره آزمون ورودی دانشگاه‌ها به صورت تستی برگزار می‌شود. همین کافی است تا از دوره دوم متوسطه میدان برای ورود و میدان‌داری مؤسسات و انتشاراتی‌های پر تعداد کنکور و تست باز شود. با ورود آنها نیز عملاً مرجعیت علمی و تربیتی مدرسه و معلم به حاشیه رانده می‌شود.

متأسفانه در این چرخه معیوب، بسیاری مدارس به‌ویژه بسیاری مدارس غیردولتی تمام همّ‌وغم و توان و تمرکز خود را تنها بر روی آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور معطوف کردند تا جایی که برخی از آنها حتی تدریس کتاب‌های درسی با محتوای اعتقادی و تربیتی را به بهانه اهمیت نداشتن در کنکور کنار گذاشته یا با حفظ ظاهر نمره آن را لحاظ کردند تا زمان آن را برای کتاب‌های کنکوری و تمرین تست صرف کنند! با این کار عملاً مدرسه از چرخه تربیت خارج و به مؤسسه‌ای کنکوری تبدیل می‌شد.

در سال‌های گذشته و در دولت‌های مختلف بارها از سوی وزرای آموزش و پرورش این نکته به درستی مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفت که «کنکور ساحت تربیتی و جایگاه و مرجعیت مهم مدرسه را مختل کرده است».

همان طور که در ابتدا هم اشاره شد، مبحث مهم دامن زدن به نابرابری‌ها و تضعیف عدالت آموزشی و تشدید شکاف عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین معضلات و نتایج منفی برگزاری تست محور آزمون سراسری بوده است، تا جایی که در سال‌های گذشته عملاً بیشتر رتبه‌های برتر کنکور و بیشترین قبولی در رشته‌های محبوب و مرغوب‌تر به دهک‌های بالای جامعه که توانایی هزینه کردن ده‌ها میلیونی و بیشتر برای ثبت‌نام کلاس‌های تست و مدارس خاص و کنکور محور را دارند اختصاص یافته است و دست بسیاری از دانش‌آموزان خانواده‌های دهک‌های پایین و دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار از این موفقیت‌ها کوتاه مانده است.

اما این پایان کار نبود؛ خوشبختانه انتقادها و هشدارها کارساز شد و اکنون و طی دو سال اخیر با تصویب شیوه جدید برگزاری کنکور دانشگاه‌ها که سهم قابل توجهی از ملاک قبولی را به سوابق تحصیلی و تاثیر قطعی معدل امتحانات نهائی سال‌های پایانی دبیرستان اختصاص داده است، شاهد مسیر جدیدی برای جبران اشکالات گذشته هستیم.

هرچند برخی منتقدان نسبت به این روش جدید نیز انتقادات یا اشکالاتی را مطرح کرده‌اند اما بسیاری از همین منتقدان هم اعتقادی به بازگشت به آن روش صددرصد تستی گذشته ندارند. از سوی دیگر در ارزیابی چند روز گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به برخی انتقادها توجه شد و به عنوان مثال تأثیر قطعی سوابق تحصیلی برای کاهش بار روانی و ذهنی دانش‌آموزان از پایه دهم حذف و به پایه‌های یازدهم و دوازدهم اکتفا شد.

با وجود اینکه به طور طبیعی ارزیابی کامل روش جدید با همه محسنات آن نیازمند اجرای چند ساله است اما در مقام مقایسه می‌توان گفت؛ اکنون روش جدید در همین دو سال اجرا نیز نسبت به روش قبلی اتفاقات بهتری را رقم زده است.

بر اساس برخی آمار اولیه و کلی که نیاز است به طور رسمی و با لحاظ کردن همه جوانب مطالعاتی از سوی سازمان سنجش و شورای عالی انقلاب فرهنگی در اختیار عموم مردم قرار بگیرد، در همین مدت کوتاه چند مهم اتفاق افتاده است. نخست اینکه با توجه به اهمیت درصد بالایی از نمره مورد نیاز قبولی در آزمون سراسری به معدل و سوابق تحصیلی، مرجعیت مدرسه و معلم در حال احیا شدن است. اکنون یادگیری عمیق علمی برای موفقیت در امتحان نهائی اهمیت پیدا کرده و در حال جایگزینی به جای عطش تست‌زنی است. به طور طبیعی اکنون وابستگی و گرایش به مؤسسات کنکور و کتاب‌های تست در حال کاهش است و کلاس درس در حال بازیابی اهمیت خود است.

بنا بر برخی آمارها که نمی‌توان نقش روش جدید برگزاری آزمون سراسری را در آن کتمان کرد یا نادیده گرفت، به عنوان مثال بر اساس داده‌ها، سهم دهک‌های کم درآمد (دهک‌های ۱ تا ۵) در رشته‌های پرطرفدار مانند پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی و... افزایش چشمگیری یافته است که این تغییر به نفع مناطق کم برخوردار است.

علت را می‌توان این‌طور تحلیل کرد که وقتی بخش بیشتری از موفقیت در کنکور به جای تبحر در تست‌زنی، به توانایی واقعی علمی و استعداد دانش‌آموز اختصاص یابد، بسیاری از استعدادهای ویژه مناطق محروم هم که پیش از این امکان شرکت در کلاس‌های تست و کنکور با هزینه گزاف را نداشتند اکنون که نقش تست و کلاس کنکور کمرنگ‌تر شده است با همه کمبودها در مدرسه و معلم و... بر پایه توان علمی و استعداد و هوش خود، امکان رقابت بیشتری با دانش‌آموزان مناطق برخوردار و دهک‌های بالا دارند. این‌جا استعداد علمی و هوش بر تبحر تست‌زنی می‌چربد.

البته با وجود نظرات بسیاری از کارشناسان که معتقدند مصوبه و روش جدید توانسته است روش‌های یادگیری مفهومی و منطقی را در دانش‌آموزان تقویت کند، و در حالی که بر اساس نظرسنجی ایسپا، بیشتر معلمان و درصد قابل توجهی از اولیای آنها مصوبه جدید را گامی در مسیر بهبود فرآیند شناسایی داوطلبان مستعدتر، توانمندتر و شایسته‌تر برشمرده‌اند، از همان ابتدای تصویب و اجرای این مصوبه جدای از برخی نقدها و توصیه‌های فنی کارشناسان، به بهانه‌های مختلف شاهد مخالفت‌های پرحجم، قابل تأمل و هدایت شده‌ای که به نظر می‌آید از سوی مافیای کنکور در حال پمپاژ است هستیم تا روال کنکور را به حالت پر آسیب سابق برگرداند.

در این مسیر تلاش می‌شود تا ذهن دانش‌آموزان و خانواده‌ها را درگیر کنند و به بهانه‌هایی مانند اینکه «فشار روانی بر دانش‌آموزان در سه سال پایانی دبیرستان به علت استرس شرکت در امتحان نهائی مؤثر در سوابق تحصیلی افزایش یافته است» تلاش می‌کنند بازی را به هم بزنند، حال اینکه باید گفت؛ اولاً با انعطاف شورای عالی انقلاب فرهنگی در روزهای اخیر سال دهم از این سوابق خارج شد و دوم اینکه در گذشته تمام استرس و بار روانی دانش‌آموزان و خانواده‌ها به طرز سنگینی به جلسه چند ساعته روز کنکور منتقل می‌شد؛ اما اکنون این استرس که باید از سوی خانواده‌ها و کادر آموزشی مدارس مدیریت شود به دو سال تقسیم و شکسته شده است.

یک سوی ماجرا و فشارها هم به مدارس غیردولتی برمی‌گردد که برگزاری امتحانات نهائی متوسطه دوم در این یکی دو سال پرده از واقعیت پنهان شده برخی از آنها برداشت تا جایی که برخلاف تصور، با برگزاری سراسری و نهائی امتحانات به جای امتحانات داخلی مدارس مشخص شد که میانگین نمره دانش‌آموزان مدارس غیردولتی با همه هزینه‌هایی که از خانواده‌ها می‌گیرند از میانگین نمره مدارس دولتی هم پایین‌تر است.

نکته پایانی اینکه، رهبر انقلاب بارها بر اهمیت تحقق عدالت آموزشی تأکید کرده‌اند. در سال‌های اخیر نیز این موضوع از جمله برنامه‌های جدی شهید رئیسی بود و خوشبختانه این امر مهم اکنون یکی از رئوس دغدغه‌های دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور محترم هم می‌باشد؛ با این شرایط انتظار از دولت این است تا ضمن اجرای درست و کامل شیوه جدید کنکور و در ادامه حرکت به سمت هرچه کمرنگ‌تر شدن سهم تست‌زنی و توجه به توانایی علمی و استعداد در جذب دانشجو و همچنین رفع اشکالات احتمالی مصوبه جدید از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن با رئیس‌جمهور است، مسیری که رئیس‌جمهور برای تقویت مدارس دولتی اعلام کرده‌اند با جدیت دنبال شود تا بیش از پیش به تحقق عدالت آموزشی نزدیک‌تر شویم.

عباس شمسعلی

در نخستین همایش بین‌المللی «طوفان‌الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» مطرح کرد

عراقچی: اسرائیل در چشم جامعه جهانی شکست خورده است

وزیر امور خارجه گفت: امروز صهیونیست‌ها در چشم جامعه جهانی شکست خورده‌اند.

سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه بعدازظهر سه‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه در نخستین همایش بین‌المللی «طوفان‌الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» طی سخنانی ایام دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، و یاد شهدای انقلاب اسلامی و شهدای بعد از انقلاب تا امروز از جمله شهدای مقاومت در غزه و لبنان، یمن و دیگر نقاط را گرامی داشت.

وی به بحث روایت‌سازی در سیاست خارجی عنوان کرد: این موضوع اهمیت کلیدی دارد. درباره ارتباط میدان و دیپلماسی صحبت کرده و معتقدم میدان و دیپلماسی دو عرصه جدا از هم نیستند. یک مجموعه یکپارچه هستند که با همدیگر حرکت می‌کنند. دیپلماسی دستاوردهای میدان را استفاده و به منافع ملی، امنیت ملی و حیثیت ملی تبدیل می‌کند.

عراقچی گفت: منظورم از میدان، میدان‌های مختلف است. میدان نظامی که در وهله اول به ذهن می‌آید یکی از مهم‌ترین موارد است. میدان اقتصادی، فرهنگی، عملی و جهاد و همه عواملی که مؤلفه‌های قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند میدانی است که در آن حرکت صورت می‌گیرد و بعد دیپلماسی دستاوردهای کشور را به امنیت ملی، حیثیت و عزت ملی تبدیل می‌کند.

رئیس دستگاه دیپلماسی ادامه داد: در کنار میدان و دیپلماسی یک ضلع سوم وجود دارد و آن رسانه است. میدان، دیپلماسی و رسانه با هم حرکت می‌کنند و هر کدام اهمیت خودشان را دارند و رسانه اتفاقا نقش بسیار مهمی را در ساختن روایت از میدان و دیپلماسی و نهایتا روایت پیروزی و شکست ایفا می‌کند.

وی اضافه کرد: ممکن است ما در عرصه میدان موفق باشیم، در عرصه دیپلماسی موفق باشیم، ولی در عرصه رسانه و روایت‌سازی موفق نباشیم و آنجا پیروزی‌هایی که در عرصه میدان و دیپلماتیک به دست آمده در چشم مردم جهان و خودمان ممکن است به شکست تبدیل شود. عرصه را می‌بری ولی چون در رسانه باخته‌ای، جای پیروز و شکست خورده عوض می‌شود. یا ممکن است برعکس میدان عقب باشد و دیپلماسی نتواند انجام دهد ولی رسانه با روایتی که ارائه می‌دهد نقش پیروز را برای مخاطب خودش طراحی کند.

عراقچی بیان کرد: میدان، دیپلماسی و رسانه باید با هم حرکت کنند و این روزها لازم است برای هر برنامه حرکت سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک پیوست رسانه‌ای باشد چون آن پیوست به مردم می‌گوید چه اتفاقی افتاده و با روایتی که طرف مقابل ممکن است بر عکس ساخته باشد، مقابله می‌کند.

وی افزود: امروز صهیونیست‌ها در چشم جامعه جهانی شکست خورده‌اند.

وزیر خارجه اضافه کرد: همان‌طور که در عرصه میدان یک نبردی در جریان است، همان‌طور که در عرصه دیپلماسی یک نبردی در جریان است در عرصه رسانه و روایتگری یک نبرد بین روایت‌ها جریان دارد و کسی برنده نهائی است که بتواند روند روایت‌ها را برنده شود و روایتی که خودش می‌خواهد یا مبتنی بر واقعیت، یا فراتر از واقعیت یا کمتر از واقعیت را ارائه کند. روایتی که ارائه می‌شود تعیین‌کننده است و مهم است این روایت را در چه زمانی چگونه و در چه وسعتی ارائه می‌دهید. وی گفت: این عرصه‌ای که باید اعتراف کنیم دشمنان ما توانمندی بالایی دارند. کنترلی که به رسانه‌های بین‌المللی و جهانی و جهانشمول دارند و تکنولوژی که از آن برخوردارند و می‌توانند روایت و حرف خود را به سرعت در اقصی نقاط جهان پخش کنند.

جلال‌زاده: تنها تریبون جبهه مقاومت در جهان هستیم

جلال‌زاده معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه سه‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه در نخستین همایش بین‌المللی «طوفان‌الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» به بحث میدان و دیپلماسی پرداخت و گفت: من می‌خواهم یک جزء دیگر را به این دو جزء اضافه کنم. میدان، دیپلماسی و رسانه. چه بسا اگر رسانه در کنار این دو نباشد، این دو موفق نخواهند شد و البته بالعکس.

وی افزود: شما در اتفاقات ۱۴- ۱۵ ماه گذشته دیدید که جایی که میدان جلو بود دیپلماسی پشت سر آن بود و جایی که دیپلماسی پیشرو بود، در مذاکرات و در سفرهایی که مسئولان سیاست خارجی به منطقه انجام می‌دادند و بازدارندگی دیپلماسی ایجاد می‌کردند، شما به عینه دیدید که اگر این دو در کنار هم بدون فاصله و دوئیت قرار بگیرند، چه میوه شیرینی می‌توانیم حاصل بکنیم.

معاون وزیر خارجه بیان کرد: در ایام اخیر در چند ماه گذشته در اتفاقاتی که رخ داد، اتفاقات ۱۴- ۱۵ باید در نیم قرن اتفاق می‌افتاد سرعت تحولات آن‌قدر بالا بود که بعضا ما جا ماندیم و چه جای مهم‌تری از دانشگاه که بتواند این جاماندگی‌ها را جبران کند با تحلیل درست روندها و فرآیندهایی که در این روزها شاهد بودیم و در آستانه برخی رخدادهای مهم هستیم. جلال‌زاده بیان کرد: قطعا اینها باید در کرسی‌های آزاداندیشی و در نظریه‌های علمی و در کلاس‌های درس و متون دانشگاهی و پایان‌نامه‌ها و تزهای دکترا به خوبی تجزیه و تحلیل شود.

درخواست وزیر خارجه لبنان از ایران

وی گفت: ما امروز به لطف الهی هیچ فاصله‌ای در عرصه عمل و نظر بین دیپلماسی و میدان و رسانه ان‌شاءالله در عرصه سیاست خارجی نداریم. همه فرماندهان میدان و همه مجاهدان عرصه دیپلماسی با یک هم‌رأیی، با یک توافق و با یک تشریک مساعی مسائل سیاست خارجی را مدیریت می‌کنند.

جلال‌زاده بیان کرد: وزیر امور خارجه اعتقاد دارد که وزارت امور خارجه مقاومت است. ما تنها تریبون جبهه مقاومت در جهان هستیم. در سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی به جز جمهوری اسلامی ایران کمتر کشوری را پیدا می‌کنید که از مکتب و جریان مقاومت حمایت کند. دیپلماسی در خدمت مکتب و جریان مقاومت قرار دارد. معاون وزیر خارجه افزود: در سفر اخیرم به بیروت وزیر خارجه لبنان از ما می‌خواست که در سازمان ملل و ژنو از برخی مسائل منطقه و حتی لبنان دفاع کنیم.

وی خاطرنشان کرد: تریبونی که امروز در اختیار دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی، پیمان‌ها و ائتلاف‌هاست، تریبون جریان مقاومت است. همین مسیر باید ادامه یابد که مسیر خیر و صلاح است و امیدواریم همه عزیزانی که در این عرصه‌ها تلاش می‌کنند با دعای خیر ملت و شهدا بتوانند موفق‌تر از پیش به مأموریت‌های اصلی خود عمل کنند.

جلال‌زاده: اجساد دو تبعه ایرانی در فرانسه به کشور منتقل می‌شود

وحید جلال‌زاده معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه سه‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه در جمع خبرنگاران درباره سفر اخیرش به بیروت گفت: در ادامه رایزنی‌ها در منطقه سفر دو روزه‌ای را به لبنان داشتم. با دولت و مردم لبنان و گروه‌های مقاومت ارتباط تاریخی و وسیع و گسترده‌ای داریم.

وی گفت: در این سفر با وزیر خارجه و رئیس‌مجلس لبنان ملاقات داشتم و روابط فیمابین ایران و لبنان را بررسی کردیم.

جلال‌زاده با بیان اینکه دولت و مردم ایران در همه مقاطع در تلخی‌ها و شیرینی‌ها در کنار مردم و دولت لبنان بودند، اظهار داشت: همچنان آماده هستیم هر زمان دولت لبنان احساس کند ما کمکی می‌توانیم انجام دهیم، حتما در میدان حاضر باشیم.

معاون وزیر خارجه اضافه کرد: با رئیس‌مجلس لبنان ملاقات داشتم و دعوت آقای قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی را تجدید کردم و از ایشان خواستم به ایران سفر کند. الحمدلله رئیس‌جمهور لبنان انتخاب شده و دولت سامانی پیدا کرده و ایشان هم پذیرفت در اولین فرصت ممکن به ایران سفر کند.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

گوش نکردم!

گفت: خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت گفته است باید دو معاهده پالرمو و CFT از گروه ویژه اقدام مالی (FATF) را بپذیریم تا ثابت کنیم که پولشویی نمی‌کنیم(!) و ثابت کنیم که از گروه‌های تروریستی حمایت نمی‌کنیم(!).

گفتم: برای پالرمو که موضوع آن پولشویی است خودمان قانون مستحکمی داریم. اما، درباره CFT که موضوع آن عدم حمایت از تروریسم است، ایشان نفرموده‌اند که قرار است به چه کسانی و کدام مرکز و سازمانی و کدام کشور ثابت کنیم که ما از گروه‌های تروریست حمایت نمی‌کنیم؟!

گفت: چه عرض کنم؟! باید به آمریکا و اروپا که خودشان آشکارا و رسماً از همه گروه‌های تروریستی، نظیر داعش و تحریرالشام و سازمان منافقین و رژیم وحشی صهیونیستی و... حمایت می‌کنند ثابت کنیم که ما حامی تروریسم نیستیم؟!

گفتم: یعنی خانم سخنگو نمی‌داند که از نگاه FATF، سپاه پاسداران و حزب‌الله و حماس و انصارالله هم در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارند؟! و با پذیرش CFT باید اصلی‌ترین کانون‌های قدرت نظام را تعطیل کنیم و به دشمنان خونخوار اجازه بدهیم ایران را هزار بار شخم بزنند و مردم این مرز و بوم را قتل‌عام کنند؟!

گفت: کاش خانم سخنگو قبل از آن که نظر برخی از مدعیان اصلاحات اطراف رئیس جمهور را منتقل کند، درباره FATF و بخش CFT مطالعه می‌کردند و...!

گفتم: شخصی با ناراحتی و پشیمانی می‌گفت؛ کاش به حرف پدرم گوش کرده بودم! پرسیدند پدرتان چه گفته بود؟ گفت؛ چه می‌دانم چی می‌گفت؟! گفتم که گوش نکردم!

آیت‌الله علم‌الهدی:

راهبرد دشمن، ایجاد تردید در نیروهای انقلابی است

مشهد- خبرنگار کیهان:

نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی گفت: دشمن امروز فهمیده است که اگر بتواند نیروهای ما را در یقین متزلزل کند، قدرت تصمیم‌گیری درست را از آنها گرفته و بر همین اساس به دنبال ایجاد تردید است.

به گزارش ایرنا، آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی در دیدار با جمعی از فرماندهان و پاسداران خراسان رضوی در مشهد افزود: اگر انسان نسبت به اصول دین یقین داشته باشد دیگر از مسیر منحرف نمی‌شود و اگر فردی یقین خود را از دست داد، ابتدا دنیا و آخرت خود را تباه می‌کند و در ادامه ضربه حرکت او به پیکره انقلاب وارد می‌شود.

وی ادامه داد: اصلی‌ترین کلیدواژه پیروزی‌ها، جهادها و عملیات یقین است. امروز در موضوع انقلاب نیز با موضوع یقین روبه‌رو هستیم و داشتن یقین در تمام برنامه‌های دفاع از انقلاب حرف نخست را می‌زند.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی گفت: انسان وقتی در چیزی شک دارد، دِل او قوی نیست و بزرگ‌ترین کاری که شیطان می‌کند این است که نمی‌گذارد دِل، قوی باشد و با وسوسه کردن و ایجاد تردید، مانع موفقیت و تصمیم‌گیری در انسان می‌شود.

علم‌الهدی افزود: مسلمانان با تعدادی اندک در جنگ نابرابر بدر با جمعیت زیاد و تجهیزات فراوان کفار قریش روبه‌رو شدند اما چیزی که باعث شد این ۳۱۳ نفر مسلمان بر کفار قریش پیروز شوند، یقین به بشارت پیامبر اکرم(ص) بود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* بی‌تردید اعلام شهادت محمد الضیف خون جدیدی در رگ‌های رزمندگان مقاومت اسلامی فلسطین جاری خواهد کرد. فرزندان ملت فلسطین برای پیگیری آرمان آزادی بیت‌المقدس و برافراشتن پرچم فلسطین در سراسر سرزمین مقدس، به فضل الهی به مانند طوفان‌های سهمگینی بر موجودیت جعلی و پلید رژیم شیطانی و نژادپرست صهیونی خواهند تاخت و بر حیات ننگین آنان مهر باطل خواهند زد.

کاویانی

*برقراریِ آتش‌بس در غزه نباید روند رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی را متوقف کند. سازمان‌های بین‌المللی باید یقه این جنایتکارانی که روی چنگیز، مغول و هیتلر و... سفید کردند را بگیرند. راه توقف جنایات رژیم صهیونیستی مؤاخذه سران این رژیم خون آشام است.

زرشناس

* امام خامنه‌ای می‌فرماید؛ «در کلمات ائمه علیهم‌السّلام، روی دو جمله راجع به اباالفضل العبّاس (علیه‌السلام) تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا.» حقیقتاً همین بصیرت و وفا راه را از چاه به انسان نمایان می‌سازد.

محرمی

* زهرا قبیسی، بانوی قهرمان و مقاوم لبنانی که اخیراً تصاویر ایستادگی‌اش در مقابل‌تانک رژیم غاصب مورد توجه فراوان قرار گرفت، می‌گوید: آرزو دارم آیت‌الله خامنه‌ای، نائب امام زمان(عج) را ببینم! ان‌شاءالله که به آرزویش برسد.

سوری

* میرزا کوچک‌خان در آخرین نامه خود نوشته افسوس می‌خورم که مردم ایران پس از محو ما، خواهند فهمید ما که بودیم و چه کردیم. نمی‌دانم چرا با خواندن این نامه تاریخی بی‌اختیار شهید رئیسی در ذهنم مجسم می‌شود؟

پارسایی

* اگر امروز آقای ظریف در یک جایگاه غیرقانونی آن هم در خانه دشمن از یک اقدام غیرقانونی یعنی چشم‌پوشی دولت از حکم صریح خداوند درخصوص پوشش زنان با افتخار به بیگانگان گزارش کار می‌دهد حاصل عادی‌سازی بی‌قانونی چندین ساله توسط آقای روحانی در دولتش و سکوت دستگاه قضا می‌باشد.

گنجعلی

* ممزوج کردن سیاست داخلی و سیاست خارجی پاشنه آشیل گفت‌وگوی ظریف و آغاز اشتباه‌های راهبردی او در اجلاس داووس است. از آقای ظریف به عنوان یک دیپلمات کهنه‌کار سؤال می‌کنیم واقعاً چه وجاهتی دارد که در یک گفت‌وگوی بین‌المللی رقیب داخلی را به جنگ‌افروزی متهم کرد؟

نادریان

* در این وانفسای تنگی معیشت و گرانی که به مردم فشار می‌آورد، ما در کشور مواجه با مرفهین بی‌دردی هستیم که خرج سگشان بیش از ۲۰ میلیون تومان در ماه است. آیا مسئولان کشور نمی‌خواهند از آنها بپرسند که از کجا آورده‌اند؟!

صراف

* مردم زیر فشارهای اقتصادی هر روز که چشمشان به طلوع آفتاب باز می‌شود با افزایش قیمت‌های بی‌ضابطه مواجه می‌شوند که با هیچ منطقی سازگاری ندارد. مسئولان دولتی به جای سیاسی کاری و شعار، کار و تلاش کنند. کشور قحط‌الرجال نیست که مردم را سرگرم مسائل بی‌مورد نمایید و قهرمان‌تراشی کنید. مردم قهرمانان واقعی را می‌شناسند نیاز به معرفی بدلی مثل سران فتنه و دوتابعیتی‌ها ندارند!

خان‌محمدی و حسین‌زاده

*آیا این منطقی است که با پیوستن به FATF از چاله به چاه بیفتیم و مسیری که تاکنون برای دورزدن تحریم‌ها باز کردیم را با دست خودمان مسدود کنیم؟ کدام عاقلی خود را بدون سلاح در برابر استکبار جهانی قرار می‌دهد!

فرهادی

* جنایات گروهک نفاق رجوی به قدری گسترده و وحشتناک است که هیچ‌گاه نمی‌توان ماهیت تروریستی آن را مخفی نمود. یکی از جنایات هولناک این منافقین وحشی، زنده به گور کردن و مُثله نمودن اسیران و دستگیر شدگان بود که هیچ‌گاه از ذهن‌های ما ملت ایران پاک نمی‌شود.

ملایی

* رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان می‌گوید ۲۰ سال مذاکره با آژانس که انجام شد صرفاً برای رفع اتهامات ساختگی بود که علیه ایران مطرح می‌کردند و این اتهامات ساختگی در قالب پی.ام.دی بود که بسته شد! چرا مسئولان نظام می‌پذیرند که نه دوباره بلکه چندباره در دام فریب دشمن بیفتند؟

کثیری

* ۴۶ سال است انقلاب اسلامی ماهیت کثیف آمریکا را فریاد می‌زند اما غربگدایان در داخل کشور، آمریکا و غرب را قبله آمال خود قرار داده و ذات پلید غرب را سفید شویی و تبرئه کرده و حتی شکست و پاره شدن خفت‌بار برجام را تقصیر ایران جا می‌زنند.

احمدی قراونه

* دکترپزشکیان می‌گوید؛ ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند اما به جای جذب آنها، یک انگی می‌زنیم و آنها را حذف می‌کنیم! جناب دکتر! نظام بنا ندارد کسی را حذف کند بلکه خود فرد است که از برکت خون شهدا به یک جایگاهی رسیده و حال برای حل مشکل کشور، با جلسات محرمانه با دشمنان ملت و آرمان شهدا، علیه کشور توطئه و در فتنه ۸۸ کشور را تا پرتگاه بردند! حال بفرمایید ما به دنبال حذف این افراد هستیم یا خودشان؟

غینری

* در خبرها آمده بود که ۸ میلیون و ۱۲۰ هزار و ۳۰۰ نفر در کشور با نام محمد و ترکیبات آن نام‌گذاری شده‌اند که بیشترین انتخاب‌ها بعد از نام محمد با ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نام‌گذاری، به ترتیب اسامی محمدرضا، محمدعلی و محمدحسین بوده است. و این نشانه عشق به اهل بیت در کشور را می‌رساند.

صمدی

* مردم سوریه کمپینی در فضای مجازی برای جمع‌آوری اسناد جنایات تروریست‌های تحت امر ابومحمد الجولانی در سوریه به راه انداخته‌اند تا شرایط برای محاکمه بین‌المللی آنان مهیا شود.

مینایی

* با توجه به این که چند روز به ۲۲ بهمن مانده است، همه توان‌مان را برای معرفی دستاوردها و پیشرفت‌های نظام گذاشته و با جهاد تبیین و ایجاد امید و تقویت ایمان، مردم را به راهپیمایی عظیم و با شکوه یوم‌الله ۲۲ بهمن دعوت کنیم.

بیات

*بنر زیبایی در مقابل استانداری همدان نصب شده که قابل توجه است. آقای مسئول، انقلاب ۵۷ یعنی تو کارآمد باش، مردم هستند! اگر مسئولان حقیقتاً کارآمد باشند قطعاً مشکلات کشور قابل حل است.

رفعتی

* از مدیران ناکار آمد درخواست می‌شود هرچه سریع‌تر استعفا بدهند و مردم را گرفتار ندانم‌کاری و ناکارآمدی خود نکنند. علل اصلی مشکلات به همین افراد برمی‌گردد.

نیک‌نام

خبر ویژه

FATF چون قابل دفاع نبود از دستور کار «مجمع» خارج شد

«نفت ایران ۷۴ سال قبل، دو ماهه ملی شد اما FATF در سه دولت و سه مجلس و یک مجمع معطل مانده است»!

این شاهکار ادبی سیاسی، تراوش تحلیلی یک سایت شبه اصلاح‌طلب است. «عصر ایران در تحلیلی با همین عنوان نوشت:

«گروه ویژه اقدام مالی (FATF) مثل سازمان تجارت جهانی یا بریکس نیست که بگوییم پیوستیم یا نه. توصیه‌هایی دارد که اگر همه را رعایت کنیم آنان نیز به دیگران توصیه می‌کنند با ایران تبادل مالی داشته باشند و اگر رعایت نکنیم به دیگران توصیه می‌کنند همکاری نداشته باشند و اصطلاحاً در فهرست سیاه قرار می‌دهند.

مردم در سال‌های ۹۲ و ۹۶ رئیس‌جمهوری انتخاب کردند (حسن روحانی) و او دوبار دولتی تشکیل داد و در آن دو دولت هم لوایح پیوستن به افای‌تی‌اف تصویب و به مجلس ارائه شد. مجلس دهم هم آنها را تصویب کرد. به شورای نگهبان رفت. چرا به شورای نگهبان می‌رود؟ برای این که ببینند با شرع و قانون اساسی ناسازگار نباشد. اگر شورای نگهبان تأیید نکرد و باز مجمع تشخیص مصلحت نظام تعبیه شده تا این بار نه بر اساس عرف (مجلس) و شرع (شورای نگهبان) که بر پایه مصلحت تصمیم بگیرد. در این فقره اما قانون در هیئت عالی نظارت بر سیاست‌های کلی مجمع متوقف شد! منتها قرار بود مجمع گره‌گشایی کند اما یک هیئت عالی درست شده که عملاً به شورای نگهبان دوم بدل شده است.

آنچه دولت روحانی و مجلس دهم تصویب کرده قاعدتاً باید در شورای نگهبان هم تأیید و به قانون تبدیل و اجرا می‌شد اما در مجمع تشخیص گیر کرد و هیئت عالی آن مخالفت کرده و حالا دوباره به خاطر تنگناهایی که در مبادله مالی با دنیا و حتی با روسیه و چین ایجاد خواهد شد قرار است تصویب شود.

این روند طولانی و فرساینده را برخی با فرمان‌های اجرائی دونالد ترامپ در روزهای اول استقرار دوباره مقایسه می‌کنند ولی یک قیاس دیگر هم خالی از لطف نیست. در قیاس یاد شده رئیس‌جمهور ایران درگیر آن است که پاسخ استعلام مدیران را دریافت کند یا جواد ظریف را به خاطر جرم او در ۴۰ سال قبل (تولد فرزند در آمریکا در دوران مأموریت دیپلماتیک و تابعیت قهری) در دولت نگاه دارد و افای‌تی‌اف را به جریان بیندازد و ترامپ قلم برمی‌دارد و به عنوان منتخب مردم فرمان صادر می‌کند. فرمان پشت فرمان.

حالا به ۷۴ سال قبل بازمی‌گردیم. ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد دکتر مصدق برای ملی شدن صنعت نفت را به اتفاق آرا تأیید کرد. فقط یک هفته بعد یعنی ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در صحن علنی مجلس شورای ملی تأیید شد. تنها ۵ روز بعد در ۲۹ اسفند در مجلس سنا تصویب و به قانون بدل شد. ۲۹ اسفند هم طبعاً در آن موقع تعطیل نبود! همان ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ قانون شد و آنچه حسین علا نخست‌وزیر در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ به شاه ارائه داد تا توشیح کند در واقع طرح ۹ ماده‌ای قانون ملی شدن صنعت نفت بود که دکتر مصدق به عنوان شرط قبول نخست‌وزیری مطرح کرده بود.

حالا می‌رسم به اصل مطلب. تصور کنید قرار بود برای ملی شدن صنعت نفت ایران هم روندی طی شود که برای افای‌تی‌اف تاکنون طی شده: اول در دولت. بعد در مجلس. آنگاه در شورای نگهبان ایراد بگیرند. برای حل مشکل به مجلس برگردد. دوباره در شورای نگهبان. حالا سر از مجمع تشخیص درآوردکه اختلافات را رفع کند. رئیس‌جمهوری که نه می‌تواند مانند رئیس‌جمهوری آمریکا طی چند روز ۵۰ فرمان مهم اجرائی صادر کند و هر تصمیم او در یک شورا گیر و قفل است و باید برای رفع فیلترینگ از خوان شورای عالی فضای مجازی بگذرد و برای حذف شرط معدل در کنکور از خوان شورای عالی انقلاب فرهنگی، اگر بخواهد لایحه بدهد هم سرنوشت همین در انتظار است که وقتی مجلس دهم با روحانی همراه بود و تصویب کرد هم قانون نشد چه رسد به حالا که رئیس مجلس، رقیب انتخاباتی او بوده و اکثر نمایندگان حامی رقیب دیگر او».

درباره این تحلیل سایت اصلاح‌طلب باید یادآور شد که اولاً ملی شدن نفت دو ماه طول نکشید بلکه حاصل دست کم بیش از سی سال مبارزه و کش و قوس ملت ایران با استعمار انگلیس بود. ملی کردن نفت و نهضت مردم برای این امر چه دخلی به دیکته نویسی از روی منویات آمریکا و انگلیس در قالب FATF و... دارد. همان انگلیس و آمریکا طرف مخاصمه در موضوع غارت منابع نفتی ایران در هفتاد سال قبل، امروز حاکمان و تجویز کنندگان تبعیت از FATF هستند و به همین علت هم به علت جرائم موضوع FATF (پولشویی و تأمین مالی تروریسم و جرائم سازمان یافته) تحت پیگرد و تحریم این کارگروه قرار نمی‌گیرند. به بیان دیگر، حامیان مطلع FATF نه سمت مردم و آیت‌اله کاشانی و دکتر مصدق، بلکه سمت مزدوران انگلیسی مثل رزم آرا و... دیگران ایستاده‌اند.

ثانیاً پذیرش و اجرای ۳۹ بند از ۴۱ بند برنامه اقدام FATF بر خلاف فضاسازی دلالان آمریکا در داخل، موجب کاهش تحریم‌ها نشد بلکه شمار تحریم‌ها در همین دوره همکاری از ۸۰۰ تحریم به ۱۷۰۰ و سپس دو هزار تحریم رسید.

ثالثاً فروش نفت و مبادلات تجاری و واردات واکسن و... نقضی بر ادعای موکول کردن تجارت خارجی به تمکین از FATF است.

رابعاً دولت روحانی در دادن تعهد پنهانی خارجی به FATF قانون اساسی را دور زده و اقدام مجرمانه‌ای انجام داده است. همچنین مجلس وقت به خاطر تأیید ملحقات FATF بدون در نظر گرفتن استقلال کشور و با وجود عبرت‌های برجام، اقدامی خلاف منافع و امنیت ملی انجام داده است. در این‌جا اهمیت کار نظارتی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت برای پاسداری از منافع و امنیت ملی بیشتر آشکار می‌شود.

خامساً FATF پیش از این در مجمع بررسی شده بود و اعضا از دولت روحانی سؤال کرده بودند چه تضمینی هست که با نهائی کردن دو لایحه باقی مانده تحریم‌ها برداشته شود و آنها مجبور شده بودند بر اساس عبرت‌های زنده برجام بگویند هیچ تضمینی وجود ندارد! این‌گونه بود که لوایح کذایی از دستور کار خارج شد اما همان عناصر شارژکننده و بزک‌کننده FATF مجدداً در دولت پزشکیان به صرافت افتادند تا موضوعی منسوخ و غیر قابل دفاع را مجدد رنگ و لعاب بزنند و به دروغ شرط برداشته شدن تحریم‌ها وانمود کنند.

اسرائیل‌هیوم: نفوذ ایران در ونزوئلا همچنان رو به گسترش است

یک روزنامه صهیونیستی در گزارشی عنوان کرد: نفوذ ایران و حزب‌الله لبنان در کشور ونزوئلا رو به گسترش است.

اسرائیل‌هیوم نوشت: جمهوری اسلامی به‌دنبال افزایش نفوذ خود در آمریکای لاتین، به‌ویژه ونزوئلا است و توافق‌نامه همکاری ۲۰ساله میان تهران و کاراکاس در ژوئن ۲۰۲۴ نهائی شده و حزب‌الله لبنان نیز مراکز آموزش نظامی در ونزوئلا دایر کرده است.

مسئله ایران تنها به خاورمیانه محدود نمی‌شود. علاوه‌بر تهدید آمریکایی‌ها از طریق حملات سایبری و برنامه‌ریزی برای ترور مقام‌های ایالات‌متحده، به نظر می‌رسد ایران حضور خود را در آمریکای لاتین گسترش داده است.

ونزوئلا یک‌میلیون هکتار زمین کشاورزی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است. ونزوئلا یکی از متحدان اصلی حکومت ایران به‌شمار می‌رود و در سال‌های اخیر، مواضع سیاسی تهران و کاراکاس و همچنین تحریم‌های نفتی آمریکا علیه این دو کشور، موجبات نزدیکی بیش از پیش آنها را فراهم آورده است.

مسعود پزشکیان، رئیس دولت جمهوری اسلامی، دو ماه قبل در حاشیه اجلاس سازمان بریکس در کازان روسیه با نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، دیدار و بر لزوم تقویت روابط دوجانبه تهران و کاراکاس تاکید کرد.

تابستان سال گذشته و در جریان سفر ابراهیم رئیسی، به کاراکاس، دو طرف یادداشت تفاهمی برای گسترش همکاری‌ها در حوزه پتروشیمی با هدف انجام پروژه‌های مشترک امضا کردند. رئیسی در آن زمان اعلام کرد جمهوری اسلامی قصد دارد تجارت با ونزوئلا را از سالانه سه‌میلیارد دلار به ۲۰میلیارد دلار افزایش دهد.

اسرائیل‌هیوم در ادامه گزارش خود نوشت: ونزوئلا همچنین به مکانی برای فعالیت‌های حزب‌الله لبنان، مهم‌ترین گروه نیابتی جمهوری اسلامی، تبدیل شده است.

بر اساس این گزارش، حزب‌الله در برخی مناطق ونزوئلا، مراکز آموزش نظامی دایر کرده است و جمهوری اسلامی از این طریق می‌تواند نفوذ خود را در سراسر آمریکای لاتین گسترش دهد

اسرائیل‌هیوم هشدار داد: «ایران با استقرار نیروهای نیابتی خود در فاصله‌ای نزدیک‌تر به مرزهای آمریکا، نفوذ خود را فراتر از خاورمیانه گسترش داده و تهدیدی ملموس‌تر و گسترده‌تر ایجاد کرده است.»

نیکلاس مادورو از سال ۲۰۱۳ و پس از مرگ هوگو چاوز، قدرت را در ونزوئلا در دست دارد. روابط دیپلماتیک کاراکاس با غرب در دوره مادورو رو به وخامت گذاشت و آمریکا و اتحادیه اروپا ونزوئلا را تحریم کرده‌اند.

مرور تجربه پیشرفت چین مایه شرمندگی بیشتر غربگرایان

«مرگ بر آمریکا» به زبان چینی می‌تواند الگویی برای سیاستگذاران ایران هم باشد. رونمایی دیپ‌سیک را نباید فقط از زاویه فناوری نوین دید، بهتر است آن را از عینک سیاسی هم ببینیم. آن‌طور که لیانگ ونفنگ، بنیانگذار دیپ‌سیک گفته چین از این مرحله به بعد دیگر پیرو نوآوری‌های آمریکا نیست؛ بلکه خود مبتکر و مبدع نوآوری شده است.

تحلیل فوق را روزنامه غربگرای هم‌میهن نوشته و آورده است: «هفته گذشته، لیانگ ونفنگ، چینی ۴۰ساله، از اپلیکیشن هوش مصنوعی دیپ‌سیک رونمایی کرد؛ اپلیکشنی که با قیمت ۵میلیون دلار هزینه توانست تمامی شرکت‌های نرم‌افزاری هوش مصنوعی آمریکا را به چالش بکشد و معادل هزار میلیارد دلار به بورس وال‌استریت ضربه بزند.

حدود دو هفته قبل از آنکه دیپ‌سیک رونمایی شود، ترامپ از خطر نه از خطر نظامی، بلکه از خطر اقتصاد چینی سخن گفت. پیش از او، جو بایدن از این خطر سخن گفته و حتی بر روی برخی از کالاهای چینی تعرفه‌های بالایی بسته بود و نیز کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در دولت جورج بوش از وابستگی شدید اقتصاد آمریکا به اقتصاد چین سخن گفته بود.

نکته‌ای که در این‌جا می‌خواهیم بیان کنیم، کارکرد شعارهاست. چه تفاوتی میان شعار «مرگ بر آمریکا»ی ایران است که بیان می‌شود و «مرگ بر آمریکا»ی چینی که عمل می‌شود. ایران بیش از ۴۰سال است که تحت تحریم آمریکاست و از یک دهه پیش این تحریم‌ها شدت گرفته است؛ به‌طوری‌که خسارت وارده بر اقتصاد ایران بیش از یک‌هزار و ۲۰۰میلیارد دلار بوده است.

اما تعرفه‌ها نه‌فقط بر اقتصاد چین اثر منفی نگذاشته؛ بلکه بر خود اقتصاد آمریکا هم اثرگذار بوده است. در اصل بهتر است بپرسیم چین «برای مبارزه با آمریکا» چه کرده است؟ هرچند که آن کشور در حال حاضر ادعای مبارزه ندارد؛ اما طبق ایدئولوژی مارکسیستی‌اش، آمریکا نه‌فقط سرمایه‌دار اعظم است، بلکه امپریالیست هم هست.

اما در این میان آنچه که از این مبارزه عریان و خصمانه عاید آنها شده بود، ملت فقیر و اقتصاد نحیف بود؛ به‌طوری‌که حتی اتحاد جماهیر شوروی هم نمی‌توانست به آن کمکی بکند. اما دولتمردان چین از سال ۱۹۷۹، مبارزه با آمریکا را به شیوه دیگری پیاده کردند. آنها سعی و تلاش کردند که از کارکرد خود آمریکایی‌ها استفاده کنند.

دنگ شیائوپینگ، معمار نوین چین با استناد به ضرب‌المثل معروف چینی که «مهم نیست گربه سیاه یا سفید باشد مهم این است که موش بگیرد»، رابطه تازه‌ای را در سیاست خارجی چین پیش گرفت. در ۴۰سال گذشته چین، دومین اقتصاد جهان شده است؛ از لحاظ قدرت نظامی و تولید تسلیحات نظامی جزو سه قدرت اول جهان است؛ و از لحاظ درهم‌تنیدگی در اقتصاد کشورها به‌اندازه‌ای رسیده است که هیچ کشوری حتی آمریکا هم نمی‌تواند بدون تعامل تجاری با چین، چرخ اقتصاد خودش را بگرداند.

چین مانند ایران ادعای آنچنانی در مبارزه با آمریکا نداشته و ندارد، اما رفتار و حرکات اقتصادی و سیاسی‌اش را به‌گونه‌ای رقم زد که اگر در دوره‌ای چین ادعای مبارزه و جنگ با آمریکا را داشت و نفوذی‌های فرهنگ سرمایه‌داری در کشور را بازداشت می‌کرد- مگر نه این است که مائو انقلاب فرهنگی را در همین راستا انجام داد- اکنون این آمریکاست که مدعی مبارزه اقتصادی و حتی فرهنگی با چین شده: زیرا این چین است که دارد زیرپای آمریکا را خالی می‌کند، بدون آنکه هزینه زیادی بدهد.»

درباره این یادداشت روزنامه هم‌میهن باید به غربگرایان یادآور شد: ۱) چین برخلاف شماها هرگز به آمریکا اعتماد نکرد و نپذیرفت مثل شما توانمندی‌های خود را نقداً واگذار کند و وعده نسیه بخرد و به مردم خود بفروشد. اما شما این خبط یا خیانت را مرتکب شدید و حتی دنبال تکرار و توسعه واگذاری منابع رشد و پیشرفت و قدرت در قالب برجام ۲ و ۳ بودید. آیا چینی‌ها مثل شما پذیرفتند ۹۵درصد برنامه هسته‌ای خود را تعطیل یا واگذار کنند؟ آیا زیر بار توافق آب و هوای پاریس به شکلی رفتند که توسعه نیروگاه‌ها با سوخت فسیلی را متوقف کنند و مردم و صنایع خود را از انرژی برق محروم سازند؟!

۲) چینی‌ها به اعتراف خود شما، آمریکا را امپریالیست می‌شناسند و قائل به گفت مرگ بر آمریکا در مقام عمل هستند. اما شما نه در مقام عمل و نه در مقام حرف، به این شعار برخاسته از فطرت ملت ایران- که اکنون جهانی هم شده،- نه‌تنها باور ندارید بلکه خلاف آن هم عمل می‌کنید و هر دولتی که در کاخ‌سفید سر کار می‌آید (از اوباما تا بایدن و ترامپ) بزک و تحسین هم می‌کنید و تنها حرفی که بلدید، توافق در سایه تهدید و فشار و به هر قیمت است. با این رویکرد اگر شماها در چین بودید و جرئت می‌کردید وقیحانه سنگ آمریکا را به سینه می‌زنید، تا به حال چندبار محکوم به اعدام و تحمل مجازات‌های سخت شده بودید.

۳) خسارت تحریم‌های خصمانه آمریکا و غرب آن‌قدر زیاد نیست که خسارت تحلیل‌های تحریف‌آمیز و فلج‌کننده. این، نه سوغات خود تحریم‌ها بلکه سوغات مرعوبیت یا شیدایی و نفوذزدگی در نسبت با دشمن است. با همین فهم غلط بود که دولت روحانی رو به قبله شد و ادعا کرد نه نفت می‌توان فروخت و نه واکسن می‌شود وارد کرد و حال آن که با کنار رفتن آن دولت، همین اتفاقات ناممکن، ممکن شد.

۴) در حالی که غربگرایان آمریکا و غرب را می‌پرستند و تنها الگوی توسعه اقتصادی می‌شمارند، هم میهن با فهم خود اذعان می‌کند که چین در بسیاری از پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی از آمریکا و اروپا جلو زده است. این هم بطلان دیگری است بر گزاره «انحصار پیشرفت غرب و الزام تبعیت از آن» است. البته منطق جمهوری اسلامی، نرفتن زیر بار شرق و غرب و الگوی پیشرفت مستقلی است که با وجود تحریم‌های چهل‌ساله و مصیبت بزرگ غرب‌زدگی، توانسته به پیشرفت‌های برگ در حوزه‌های گوناگون فنی و صنعتی دست یابد و در برخی حوزه‌ها مانند هسته و نانو و پیشرفت‌های بزرگ پزشکی جزو ده پانزده کشور اول جهان باشد.

۵) نهایتاً این که باید به غربگرایان باید گفت: شما هم مرگ بر آمریکا را که شعار رایج جهانی شده، بگویید، با هر زبان و بیانی که دوست دارید بگویید.

وزارت امور خارجه تغییر در وضعیت مدیریت پرونده هسته‌ای را تکذیب کرد

وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد هیچ تغییری در مورد وضعیت مدیریت پرونده هسته‌ای ایجاد نشده است.

روابط عمومی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، صبح سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳، در پاسخ به سؤال رسانه‌ها در مورد وضعیت مدیریت پرونده هسته‌ای، با تأکید بر اینکه هیچ تغییری در این خصوص ایجاد نشده است در پیامی، اعلام کرد: مسئولیت انجام گفت‌وگوها و مذاکرات در موضوع هسته‌ای همچون گذشته به‌عهده وزارت امور خارجه است و این امر تحت مدیریت وزیر محترم توسط معاونت‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی انجام می‌شود.

در ادامه آمده است: بدیهی است تعیین راهبرد مذاکراتی و انجام هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط همچنان توسط شورای‌عالی امنیت ملی صورت می‌گیرد.